

Genealogy of the Concept of Early Islam in the Islamic Historiography

Hossein Azizi*

Member of the faculty of Isfahan University of Islamic Sciences

Abstract

This study aimed to analyze the genealogy of the popular term ‘Sadr ul-Islam’ (early Islam) and explore the why and how of its uses in the historiography literature in the last century by using a descriptive and historical analysis method. This term and other similar terms such as ‘Sadr ul-Awal’ (early period), ‘Sadr ul-Awal lil-Islam’ (early period of Islam), and ‘Sadr ul-Awal fil-Islam’ (early period in Islam) have been widely used in historical books, translations, scholarly works, and even in Kalām (Islamic scholastic theology) and Fiqh (Islamic jurisprudence), which all refer to the period from the Prophet Muhammad’s era to Tabi’in era (the period from the Prophet Muhammad’s era to the Umayyad era) or the period from the Prophet Muhammad’s era to the Tabi’ al-Tabi’in era (the period from the Prophet Muhammad’s era to the first period of the Abbasid era). Despite its widespread use in the contemporary literature, the term is ambiguous and is paradoxically defined at times, and no scholarly work has ever attempted to define it clearly. The analysis of the uses of this term in the historical texts proved effective in the clarification of this term and in the prevention of inappropriate uses of this term in the titles of any book, treatise, or paper.

Introduction

Historical experience shows that fallacies, especially rhetorical fallacies, have always been common, and Plato has written a book about such fallacies and discussed how to avoid them. Despite the need for a clear definition of the concept, a review of different new books, theses, and papers and online searches reveal many works, whose titles contain the concept of ‘early Islam’. But no clear definition of the term has yet been provided. In contrast, there is a long history of over a thousand years of the uses of this concept in historical books, translations, scholarly works, including Hadith and Fiqh texts. Despite such a long history of the related literature, no study has ever been conducted on the concept, failing to define it clearly. Therefore, the present research has pursued this aim by relying on ancient historical, jurisprudential, theological and literary sources using descriptive and historical analysis methods.

Material & Methods

The term early Islam as used by the Muhaddiths (Hadith scholars) and Faqihs (Islamic jurists) of the 1st century AH (the 7th century AD) and as also used in the historical books and literary scholarly works, including Kalām and Fiqh texts, of the 3rd century AH to the 5th century AH (the 10th century AD to the 12th century AD) might be explained according to four narratives or traditions: (1) the Prophet Muhammad’s era (11-13 AH/610-632 AD), (2) the early Sahaba (companions) of the Prophet Muhammad’s era (13-41 AH/610-661 AD), (3) the companions of the Prophet Muhammad’s era to the end of the 1st century AH (13-100

* Corresponding author

تبارشناسی مفهوم «صدر اسلام» در تاریخ نگاری اسلامی

حسین عزیزی*

چکیده

این پژوهش در نظر دارد به روش توصیفی و تحلیل تاریخی، تبارشناسی اصطلاح رایج «صدر الاسلام» و چرایی و چگونگی کاربرد آن را در ادبیات تاریخ نگاری یک صد سال اخیر بررسی کند. کاربرد این اصطلاح و اصطلاح‌های مشابهی همچون «الصدر الاول»، «الصدر الاول للاسلام» یا «الصدر الاول فی الاسلام» در کتاب‌های تاریخ، تراجم، رجال و حتی دانش فقه و کلام پیشینه‌درازی دارد. منظور از این اصطلاحات، بیشتر بازه زمانی دوران بعثت تا عصر تابعان، یعنی دوران پیامبر تا عصر امویان، یا عصر بعثت تا دوره‌آتابعان، یعنی دوران بعثت تا عصر نخست خلافت عباسی، است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در گذشته، از این اصطلاح جز یک یا دو نمونه، در «نام» هیچ کتاب و رساله‌ای استفاده نشده است و رواج آن در نام‌گذاری کتاب‌ها و رساله‌ها و مقاله‌های انگلیسی و فارسی و عربی، به بیش از یک قرن و نیم اخیر نمی‌رسد. این اصطلاح با وجود فراوانی‌اش در آثار جدید، دارای ابهام و گاه تعارض است و در هیچ اثر پژوهشی، درباره معنی آن توضیحی داده نشده است. به نظر می‌رسد مطالعه و بررسی کاربردهای مشهور این اصطلاح در متون قدیم، به رفع ابهام و تعارض کمک شایانی خواهد کرد. دستاورد مهم این پژوهش نیز ارائه‌ی شناسنامه‌ای تاحدودی روشن از یک اصطلاح و پیشگیری از خطاهای رایج در نام‌گذاری کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و رساله‌های علمی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: تاریخ اسلام، صدر اسلام، تاریخ نگاری اسلامی، تبارشناسی.

*استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران hosn.azizi@gmail.com

مقدمه

نورمگز، پورتال جامع علوم انسانی و علم‌نت^۲ و سایت جهانی آرشیو^۳ به صدها نام کتاب و مقاله و رساله فارسی و عربی و جز آنها دست می‌یابیم که اصطلاح «صدر اسلام» بخشی از نام آنهاست؛ اما تاکنون هیچ تعریف و تصویر روشنی از این اصطلاح ارائه نشده است.

این در صورتی است که کاربرد گسترده این اصطلاح یا اصطلاحات مشابه آن در کتاب‌های تاریخ، تراجم، رجال و حتی در منابع فقهی و حدیثی، چنانکه اشاره خواهیم کرد، سابقه طولانی و بیش از هزارساله دارد؛ از این رو می‌تواند راهگشای فهم صحیح ما از این اصطلاح باشد.

با وجود این ظرفیت تاریخی، تا جایی که مطالعات نشان می‌دهد، درباره تبارشناسی این اصطلاح تاکنون هیچ پژوهشی انجام نشده است و معنا و مفهوم آن هنوز در ابهام است. گویا شهرت و کثرت این اصطلاح، همگان را به فهمی ناقص و مجمل، بدون مراجعه به مفهوم مصطلح و تاریخی آن، قانع کرده است.

در تعاریفات جرجانی، نفائس‌الفنون آملی، کشف اصطلاحات‌الفنون تهانوی و دائرةالمعارف القرن‌العشرین فرید وجدی مدخلی به نام صدر اسلام یا صدر اول به چشم نمی‌خورد. در دائرةالمعارف اسلام عربی و انگلیسی (The Encyclopedia of Islam)، دائرةالمعارف تشیع، لغت‌نامه دهخدا، دائرةالمعارف انگلیسی زبان دین (The Encyclopedia of Religion)، در دائرةالمعارف الاسلامیة‌الشعیبة و دائرةالمعارف انگلیسی زبان ایرانیکا (The Encyclopedia of Iranica) نیز چنین مدخلی به چشم نمی‌خورد.

در این میان تنها می‌توان از دائرةالمعارف فارسی مصاحب نام برد که تعریفی از صدر اسلام ارائه کرده

منطق را دانش صیانت فکر از خطا، در تصور و تصدیق دانسته‌اند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۱۸/۱). در این علم، خطای همنام یا خطای اشتراک لفظی یکی از خطاهای رایج فکر است. مشکل اصلی این خطا آن است که سرانجام، از مغالطه توسل به واژه‌های مبهم و گاهی تغییر تعریف سر برمی‌آورد و مخاطب سردرگم می‌شود. مقصود از اشتراک لفظی، صلاحیت داشتن لفظ برای دلالت بر بیش از یک معناست. بیشتر اشتباه‌های مردم و مغالطه‌ها و خلاف‌های ایشان، از دورترین زمان‌ها، از همین وجه لفظی نشئت گرفته است؛ تا آنجا که افلاطون کتابی درباره صناعت مغالطه تدوین کرده و در آن کتاب، تنها از این قسم مغالطه‌های لفظی سخن گفته است (طوسی، ۱۳۶۱: ۵۱۸؛ فارابی، ۱۴۰۸: ۱۹۸/۱).

از این رو، بر پژوهشگران لازم است پیش از هر بحثی، مقصود خود را از لفظها و عبارت‌ها به‌خوبی روشن کنند تا هیچ سخنی، لجام‌گسیخته و بی‌اساس، گفته نشود؛ زیرا هر لفظی چارچوب ذهنی خاص خود را دارد که گاهی در اثر اختلاف زمان‌ها یا محیط‌ها یا علوم و فنون و همچنین در اثر اختلاف اشخاص، متفاوت و گوناگون می‌شود. سیره بسیاری از علمای گذشته، مانند ابن‌حیان، ابن‌سینا، خوارزمی، ابن‌حزم، سیدمرتضی و غزالی بر این بوده است (ر.ک: ابن‌حزم، ۱۹۸۳: ۱ تا ۳۵؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۱ تا ۲۶۱؛ الاعسم، ۱۹۸۵: ۱۶۱ تا ۳۰۱).

باوجود این ضرورت، در میان کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های جدید، با مراجعه به تارنماها و موتورهای جست‌وجوگری همچون تارنمای سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران‌داک)^۱، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)، کتابخانه تخصصی ایران و اسلام،

اول و اعلی یا سرآغاز و منشأ پیدایش و بخش عالی‌تر از تاریخ اسلام به شمار رود؛ از این رو، به احتمال قوی می‌توان گفت معنی و مفهوم «صدر اسلام» جز نقطه آغاز و فراز برتر تاریخ اسلام نیست؛ اما گویا بیشتر نویسندگان قرون نخستین نیز «صدر اسلام» یا «صدر اول»^۴ را امتداد و گسترش اسلام در بستر دوره‌ای تاریخی مهم می‌دانند. دوره‌ای که در آن رویدادهای بزرگی همچون نظام سیاسی، جغرافیای بزرگ دارالاسلام، فکر و اجتهاد دینی، نهضت ترجمه و جنبش بزرگ علمی، تولید و تصنیف کتاب و نیز تأسیس مدارس و مکاتب فکری اتفاق افتاده است؛ برای مثال ابن‌ندیم در آنجا که از انواع خطوط مصحف یاد می‌کند، تصریح می‌کند خالدبن‌ابی‌الهیاج نخستین کسی بود که در «صدر اول» به زیبایی خط شهرت یافت و به کتابت مصحف روی آورد و برای ولیدبن‌عبدالملک و عمر بن‌عبدالعزیز مصحف و شعر و اخبار نوشت (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۹).

تبارشناسی «صدر اسلام» در تاریخ‌نگاری معاصر

در ادامه، معلوم خواهد شد این اصطلاح در متن ادبیات اسلامی پیشینه‌درازی دارد و فراوانی کاربرد آن به سده نخست قمری نیز می‌رسد؛ اما تا صدوپنجاه سال اخیر کمتر اثری می‌توان یافت که چنین اصطلاحی در نام آن دیده شود. هنوز به درستی نمی‌توان درباره علت‌های این قبض و تنگ‌دستی در نام‌گذاری کتاب‌ها و رسائل کهن و آن بسط و گشاده‌دستی در نوشته‌های جدید داوری کرد. نخستین نویسندگان جدید نیز که از این نام‌گذاری بهره برده‌اند، به علت‌ها یا دلایل این نام‌گذاری هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند.

اما شاید بتوان چند نکته را گوشزد کرد: نکته نخست، توجه و تمرکز نویسندگان قرون نخستین به

است: «صدر اسلام دوره‌ای از اوایل تاریخ اسلام است که حدود کاملاً مشخصی ندارد؛ ولی بیشتر، آن را زمان پیغمبر و خلفای اربعه می‌شمارند». گویا مصاحب، تنها کسی است که معادل انگلیسی (sadre eslam) را در برابر آن نهاده است و در هیچ اثر دیگری این معادل به چشم نمی‌خورد. به هر حال، در این تعریف نیز اعتراف شده است که مفهوم صدر اسلام هنوز روشن نیست؛ البته ادعای دوم، یعنی توافق بیشتر بر اینکه صدر اسلام با عصر پیامبر و خلفای اربعه برابر است نیز، چنانکه توضیح خواهیم داد، بی‌اساس است.

اکنون باید دید ترکیب «صدر اسلام» در ادبیات علمی و منابع مکتوب مسلمانان چه پیشینه‌ای دارد و در این منابع، منظور از آن چیست و چه نتیجه‌ای می‌توان از آن گرفت.

مفهوم‌شناسی «صدر اسلام»

لغت‌شناسان گفته‌اند که صدر هر وسیله‌ای آغاز آن است؛ از این رو نوک نیزه را صدر نیزه می‌گویند؛ چنانکه به پیشران تیر نیز صدر تیر گویند و سینه انسان و چیزهای دیگر را صدر آنها می‌نامند. نیز به همین علت به پیش‌گفتار کتاب تصدیر گفته می‌شود. ابن‌منظور می‌نویسد: «سینه انسان و اسب را از آن جهت صدر می‌نامند که قبل از هر چیزی رؤیت می‌شود؛ لذا می‌گویند: **صَدَّرَ الْفَرَسُ إِذَا جَاءَ وَبَرَّرَ بِصَدْرِهِ**». به همین علت بخش بلند زمین را صدر آن می‌نامند؛ چون پیش از هر قسمتی دیده می‌شود. سرمنشأ افعال و نقطه حرکت از هر مکان را از آن رو مصدر می‌نامند که آنها سرآغاز ساختن فعل و حرکت به شمار می‌روند (جوهری، ۱۴۰۷: ۲/مدخل صدر؛ ابن‌فارس، بی‌تا، ۳/مدخل صدر؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۴/مدخل صدر).^۵

بنابراین اصطلاح «صدر اسلام» می‌تواند به مفهوم

أبوالحجاج یوسف بن محمد بیاسی (در گذشته پس از ۶۵۰ق) است (ابن خلکان، بی تا: ۲۳۷/۷ تا ۲۳۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۵۸/۴۸).

نام یاد شده در کتاب ابن ابی طیفور از آن نظر که پیشینه تاریخی کاربرد این اصطلاح را نشان می‌دهد، درخور توجه است و برخی از فهرست‌نویسان نیز نام کتاب را همین‌گونه ثبت کرده‌اند (سرکیس، ۱۴۱۰: ۳۷۰/۱؛ عواد، ۱۹۹۹: ۱۵۵/۱)؛ اما از عبارت مقدمه نویسنده چنین برمی‌آید که «صدر اسلام» در نام اصلی کتاب نبوده است. بر این اساس، کتاب مفقود شده ابوالحجاج نخستین کتاب تاریخی خواهد بود که به نام آن صدرالاسلام افزوده شده است.

اما کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های عربی و فارسی که در حدود صد و پنجاه سال اخیر به چاپ رسیده‌اند و اصطلاح «صدر اسلام» جزئی از نام آنهاست، بسیار فراوان‌اند. در این میان از چند کتاب می‌توان نام برد که حدود صد سال پیش به چاپ رسیده‌اند: *أدباء العرب فی الجاهلیه و صدرالاسلام* از بطرس البستانی (متوفی ۱۸۸۳م/۱۳۰۰ق)، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدرالاسلام* نگارش اسرائیل ابو ذؤیب و لفسنون (۱۹۱۴م/۱۳۳۲ق)، *النقود فی الجاهلیه و صدرالاسلام* از امین سعید (۱۹۲۴م/۱۳۴۲ق)، *فجرالاسلام، بیحیث عن الحیاه العقلیه فی صدرالاسلام إلی آخرالدوله الأمویه* از احمد امین مصری که چاپ نخست آن در سال ۱۹۲۹م/۱۳۴۷ق بود؛ بنابراین تا جایی که بررسی‌ها نشان می‌دهد، نخستین آثار پژوهشی تألیف یافته با نام «صدرالاسلام» در سده‌های اخیر، به جامعه عرب و به ویژه مصر و شام تعلق دارد.

گذشته از اینها، در سده ۲۰ و ۲۱ میلادی آثار مکتوب فراوانی تألیف یافته و به چاپ رسیده است که به علت وفور و پراکندگی، دشوار می‌توان تمام آنها را در یک

محتوا و متن به جای نام‌گذاری و نیز کم‌توجهی یا بی‌توجهی آنها به عنصر زمان در آثارشان است. این بی‌توجهی حتی در میان تک‌نگاری‌های تاریخی و تاریخ‌نگاری‌های حولی و سنواتی به وفور دیده می‌شود؛ چه بسا کتاب‌های بزرگ تاریخی که هیچ نامی جز «تاریخ» ندارند، مانند *تاریخ خلیفه و یعقوبی* یا نام‌های عام و کلی دارند، مانند *التاریخ الکبیر بخاری*، *انساب الاشراف بلاذری* یا *المعرفه و التاریخ فسوی* و *شرح الاخبار قاضی نعمان مصری*؛ همچنین کم نیستند آثاری که نامشان مشکوک است، مانند *تاریخ طبری*.

نکته دوم، پیشرفت و گسترش و انشعاب رشته‌ها و تخصصی شدن گرایش‌های علمی در سده اخیر را می‌توان از علت‌های دیگر این تغییر در نام‌گذاری کتاب‌ها و مقاله‌ها دانست؛ برای مثال، روشن است که مفهوم «تاریخ اسلام» در رشته ادیان و مذاهب یا در گرایش تاریخ اندیشه‌های فلسفی و کلامی، با مفهوم «تاریخ اسلام» در تاریخ‌نگاری سنتی تفاوت دارد. بنابراین به نظر می‌رسد پرهیز از مغالطه اشتراک لفظی میان «تاریخ تحولات دین» و «تاریخ حیات دین‌داران»، انگیزه مهم در استفاده از قید «صدر اسلام» برای اشاره به «تاریخ حیات دین‌داران» در «دوره خاص» بوده است؛ هرچند بسیاری از نویسندگان جدید، چنانکه خواهیم گفت، در مقام نام‌گذاری، دقت کافی نکرده و به گونه‌ای دیگر، در دام همان مغالطه افتاده‌اند.

براساس بررسی‌های انجام شده، شاید بتوان تنها از دو کتاب کهن یاد کرد که چنین نامیده شده‌اند: کتاب *بلاغات النساء و طرائف کلامهن و اشعارهن فی الجاهلیه و صدرالاسلام*، نوشته ابن ابی طیفور (متوفی ۲۸۰ق) که نخستین بار در سال ۱۹۰۸م/۱۳۲۶ق به چاپ رسیده است. اثر دیگر، کتاب *الاعلام بالحروب الواقعه فی صدرالاسلام*

قرار داده است (زیدان، ۲۰۱۲م: ۱/۲۲ تا ۲۴۵).

۳. عبدالحق عیقه در کتاب *تطور النقود فی التاریخ الاسلامی منذ صدر الاسلام الی نهایة الحکم الثماني* (عیقه، ۲۰۱۱م: ۳)، صدر اسلام را از عصر پیامبر (ص) تا پایان خلافت امام علی (ع) می‌داند؛ همچنین نام مقاله «روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان» از نعمت‌الله صفری فروشانی (۱۳۸۱ش)، به خوبی نشان می‌دهد منظور از صدر اسلامی، دوران پیش از عصر امویان است. این مفهوم در دائرةالمعارف فارسی مصاحب، مدخل صدر اسلام، نیز دیده می‌شود.

۴. *عصر پیامبر (ص) تا پایان عصر اموی (۱۳ تا ۱۳۲ق/ ۶۱۰ تا ۷۵۰م)*: پُتسرس بستانی در کتاب *ادباء العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام*، منظور خود از صدر اسلام را عصر پیامبر و خلفا تا پایان عصر امویان می‌داند (بستانی، ۱۹۹۰: ۲۲۷). از کتاب *فجر الاسلام*، بیحث *عز الحیاء العقلیه فی صدر الاسلام الی آخر الدوله الأمویه احمد امین مصری*، به طور دقیق همین مفهوم برداشت می‌شود. او در پایان کتاب زیر تیتر «فهرست مهم‌ترین حوادث این دوران» به وفات پیامبر (ص) تا سقوط دولت اموی اشاره می‌کند (امین، ۱۹۶۹: ۳۰۵/۱). در مقاله «النقود فی الجاهلیه و صدر الاسلام» اثر امین سعید (۱۹۲۴ق/ ۱۳۴۲م) نیز، نویسنده صدر اسلام را تا اواخر قرن نخست و عصر امویان گسترش داده است.

۵. در کتاب *بامداد اسلام* نوشته عبدالحسن زرین‌کوب (۱۳۶۹ش) نیز فقط حوادث سیاسی عصر پیامبر (ص) تا سقوط امویان بررسی شده است. به نظر می‌رسد آن فقید، «بامداد اسلام» را از «فجر اسلام» امین اقتباس کرده است و می‌توان گفت هر دو نام به‌گونه‌ای، برگردان مفهوم «صدر اسلام» است.

۶. *عصر پیامبر (ص) تا اواخر دوره نخست*

مقاله معرفی و بررسی و نقد کرد؛ بنابراین تنها راه ممکن، شناسایی و دسته‌بندی جامع شماری از آنهاست. آثاری که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، رساله‌ها، پایان‌نامه‌های فارسی و عربی یا برخی متون فارسی شده است. نام‌های این آثار را می‌توان از نظر وفور و تنوع معانی «صدرالاسلام» به هفت دسته متفاوت تقسیم کرد:

۱. عصر پیامبر (ص) (۱۳ق.ه تا

۱۱ق/ ۶۱۰ تا ۶۲۲م): محتوای کتاب *تاریخ الیهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام*، اثر اسرائیل ولفنسون (۱۹۲۷م/ ۱۳۴۵ق) نشان می‌دهد منظور از صدر اسلام، عصر رسول خدا (ص) در مکه و مدینه است. کتاب *درآمدی بر تاریخ اسلام از صدر اسلام تا شهادت امیر المؤمنان علی (ع)* نوشته ابوالفضل عابدینی (۱۳۸۴ش) فقط دوران بعثت پیامبر (ص) را صدر اسلام می‌داند. در دو پایان‌نامه «نقش زنان در تحولات سیاسی فرهنگی از صدر اسلام تا سال ۶۱ هجری» پژوهش حمیده گنجی (۱۳۹۵ش) و «بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام» اثر محسن طرفدار (۱۳۶۹ش) نیز صدر اسلام همان عصر رسول خدا (ص) است.

۲. عصر پیامبر (ص) و خلفای راشدین

(۱۳ تا ۴۰ق/ ۶۱۰ تا ۶۶۰م): تردیدی نیست منظور از صدر اسلام در کتاب‌های *تاریخ صدر الاسلام و الدوله الامویه* از عمر فروخ (۱۹۷۰م/ ۱۳۴۸ش)، *صدر الاسلام و الدوله الامویه* از محمد عبدالحی محمد شعبان (۱۹۸۷م/ ۱۳۶۵ش)، *العیون و الطائع فی صدر الاسلام و خلافة الامویین* از خلود مسافر نعمه‌الجناب (۲۰۱۰م/ ۱۳۸۹ش)، مفهومی جز عصر رسول خدا (ص) و خلفای راشدین نیست. جرجی زیدان نیز در *تاریخ اللغة العربیه* (۲۰۱۲م/ ۱۳۹۱ش) نیز صدر اسلام، یعنی دوران پیامبر و صحابه نخستین را در برابر عصر بنی‌امیه

تحقیق بناها و اماکن اسلامی (معماری اسلامی) شهرستان نائین از صدر اسلام تا دوره قاجار» نوشته داوود صارمی نائینی (۱۳۷۴ش)، عهد آل‌بویه و سده چهارم و دهه‌های نخست سده پنجم نیز امتداد صدر اسلام به شمار آمده است. چنانکه از نام پایان‌نامه «بررسی نقش‌مایه‌های حیوانی بر روی سفالینه‌ها و منسوجات صدر اسلام (قرن ۱ تا ۵ هجری)» از مُنا امامی (۱۳۹۳ش) پیداست، قرن‌های اول تا پنجم قمری صدر اسلام دانسته شده است.

۸. **دوره نامعلوم:** در پایان‌نامه «بررسی تجارت از صدر اسلام تا پایان عصر اول عباسی» از سکینه خدابخشی کاسگری (۱۳۹۳ش)، منظور از صدر اسلام به طور دقیق معلوم نیست و پژوهنده، هیچ تعریفی از آن ارائه نکرده است. در پایان‌نامه «شجاعه علی (ع) فی الشعرالعربی (من صدرالاسلام حتی نهایی العصرالعباسی)» از زحل حسینی آهق (بی‌تا) نیز تعریف روشنی از صدر اسلام نیست و معلوم نیست پژوهشگر چه دوره‌هایی را صدر اسلام می‌داند. در پایان‌نامه «نقش زنان در گسترش تشیع از صدر اسلام تا پایان قرن پنجم هجری قمری» پژوهش زهرا فاضل (۱۳۸۹ش) نیز از صدر اسلام هیچ درک روشنی ارائه نشده است و واضح نیست نویسنده، کدام بخش از این پنج قرن را صدر اسلام دانسته و کدام بخش را صدر اسلام ندانسته است؟

۹. **آشفتگی در کاربرد اصطلاح:** افزون بر اینها، در عنوان‌های برخی از نوشته‌های فارسی‌زبان، خطاهای فاحشی دیده می‌شود؛ برای مثال، در کتاب تاریخ تحلیلی صدر اسلام: قبل از تولد پیامبر اسلام (صر) تا شهادت امام حسین (ع) نوشته عین‌الله ارشادی (۱۳۷۸ش) و در کتاب تاریخ تحلیلی صدر اسلام (از عصر جاهلیت تا سال چهارم هجری) نوشته حسن قریشی‌کرین و حمید اشرفی خیرآبادی

عباسیان (۱۳ تا ۲۳۲ق/۶۱۰ تا ۸۴۷م): شرف‌الدین در مؤلف‌والشیعیه فی صدرالاسلام (شرف‌الدین، ۱۳۸۵ق: ۹۴۹۵)، ابن‌سکیت شاعر (متوفی ۲۴۴ق) را از ادیبان و مؤلفان بزرگ صدر اسلام به شمار آورده و این‌گونه، به بازه زمانی صدر اسلام تا زمان ایشان اشاره کرده است. صالح احمد علی در کتاب امتدادالعرب فی صدرالاسلام (۱۹۸۳م/۱۳۶۱ش)، از عصر بعثت تا اواخر دوره هارون‌الرشید و در واقع، دوره نخست عباسیان را صدر اسلام دانسته است. کمال‌الدین سامح در کتاب العماره فی صدرالاسلام (بی‌تا) نیز دوران نخست عباسیان بغداد و امویان اندلس را جزئی از صدر اسلام می‌داند. عبدالعزیز دوری در کتاب مقدمه فی تاریخ صدرالاسلام (۲۰۰۷م/۱۳۸۶ش)، جنبش عباسیان و نخستین دوره خلافت آنان را بخشی از صدر اسلامی می‌داند.

در پایان‌نامه تاریخ داروشناسی در ایران و بین‌النهرین از صدر اسلام تا مغول، پژوهش سمیه ترکمنی (۱۳۸۹ش)، صدر اسلام مفهوم روشنی ندارد؛ اما با توضیحی که نویسنده درباره نخستین مکتوبات مربوط به داروشناسی می‌دهد، سده دوم و سوم قمری را صدر اسلام می‌داند. هم‌زاده در کتاب آقازادگان صدر اسلام (۱۳۹۱) حتی جعفر (۲۷۱ق/۸۶۶م)، فرزند امام هادی (ع) را از آقازاده‌های ناپارسای صدر اسلام دانسته است و این‌گونه، دوره نخست عباسیان را در صدر اسلام قرار می‌دهد.

۷. **عصر پیامبر (ص) تا پایان آل‌بویه** (۱۳ تا ۴۷۷ق/۶۱۰ تا ۱۰۵۵م): در پایان‌نامه «مطالعه تزینات حجاری در مساجد تاریخی شهر اصفهان (از صدر اسلام تا پایان دوره قاجار)» نوشته مرضیه طالبی (۱۳۹۳)، قرن چهارم قمری که نخستین حجاری‌ها را پس از آن مقطع تاریخی می‌توان شناسایی کرد، ادامه صدر اسلام تلقی شده است. در پایان‌نامه «بررسی و

بیشتری داشته‌اند؛ از این رو، می‌توانند مرجع تشخیص فهم اصطلاحات به شمار روند.^۶

اکنون باید دید «صدر اسلام» در منابع پیشین به کدام دوره تاریخی اشاره می‌کند و چه معنا و مفهومی دارد؟ در پاسخ به این پرسش تا جایی که ممکن بود، بسیاری از آثار قدیم جست‌وجو شد. در این منابع که طیفی از کتاب‌های تاریخی، فقهی، تفسیری، حدیثی، کلامی، ادبی و تراجم را شامل می‌شود، از این اصطلاح به چند گونه متفاوت نام برده شده است. اصطلاح «الصدرالاول من الاسلام»، «الصدرالاول فی الاسلام»، «صدرالاسلام»، «الصدرالاول» و حتی اصطلاح پرپسامد «سَلَف» از شایع‌ترین آنهاست؛ البته مفهوم تمام آنها تا حدودی متراف و همسان است.^۷ کاربرد این اصطلاح‌ها به خوبی نشان می‌دهد ترکیب‌های «الصدرالاول من الاسلام» و «الصدرالاول فی الاسلام»، به ترکیب‌های کوتاه «صدرالاسلام» و «صدرالاول» تقلیل یافته است؛ چنانکه اصطلاح «صدرالاسلام» نیز در کاربردهای فارسی «صدر اسلام»، بدون الف و لام، شده است. در روایت ابن حزم اندلسی، «الصدرالاول» به خود صحابه نیز، نه به عصر آنها، گفته شده است (ابن حزم، بی تا: ۴۱۸/۹).

در هر حال، به نظر می‌رسد در این منابع از این اصطلاح، پنج مفهوم یا کاربرد متفاوت اراده شده است:

۱. صدر اسلام به معنی عصر پیامبر(ص) (۱۱ تا ۱۳ ق/ ۶۰۸ تا ۶۱۰ م): این مفهوم از صدر اسلام تا جایی که بررسی شد، به طور معمول در منابع فقهی و فقه‌الحدیثی یافت می‌شود؛ چنانکه بیشتر و پیش از دیگر دانشوران جهان اسلام، در میان محدثان و فقیهان سده نخست و دوم قمری دیده می‌شود. حسن بصری (متوفی ۱۱۰ ق/ ۷۲۸ م) در گزارش حکم فقهی ازدواج مسلمان با غیرمسلمان در صدر اسلام، از

(۱۳۹۵ ش)، عصر جاهلیت و دوران پیش از ولادت رسول خدا(ص) نیز بخشی از صدر اسلام شمرده شده است که می‌تواند در تشامح و کم‌توجهی نویسندگان ریشه داشته باشد.

به احتمال قوی، این اختلاف و آشفتگی در کاربرد اصطلاح صدر اسلام، در چند عامل اساسی ریشه دارد: نخست، خطای وضوح یا وضوح‌نمایی اصطلاح؛ دوم، نبود هرگونه تصویر و تفسیر روشن از این اصطلاح در فرهنگ‌نامه‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها؛ سوم، کم‌توجهی نویسندگان معاصر به تعاریف و حدود الفاظ و کلمات؛ چهارم نداشتن اطلاع کافی یا جست‌وجونکردن به اندازه لازم در ادبیات و میراث مکتوب جهان اسلام. این در صورتی است که تاریخ‌پیدایش و رواج این اصطلاح خاص، تا حد چشمگیری در ادبیات و متون گذشته همچون فقه، تاریخ، حدیث و مانند آن به طور کامل روشن است؛ به طوری که اشاره خواهیم کرد، با مطالعه آنها می‌توان در تبارشناسی و کاربرد «صدر اسلام» یا «صدر اول» از نظر نویسندگان پیشین، به جمع‌بندی تاریخی و مطمئنی دست یافت.

تبارشناسی «صدر اسلام» در منابع و تاریخ‌نگاری کهن

در تاریخ معاصر، سهل‌انگاری و افراط و تفریط رایج در انتخاب نام‌ها، عنوان‌ها، لقب‌ها، کتاب‌ها، کسان، مکان‌ها و مانند آنها به چشم می‌خورد. در مقابل، بررسی مفهوم «صدر اسلام» در ادبیات تاریخی، فقهی، حدیثی و کلامی قدیم نشان می‌دهد نخست اینکه آنها در نام‌گذاری آثار، از اصطلاح صدر اسلام هیچ بهره نبرده‌اند؛ دوم اینکه اختلاف و اضطراب کمتری در آثار آنها به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد آنها در نام‌گذاری‌ها و تعریف‌های اسلامی دقت نظر

همین اصطلاح استفاده کرده است (طوسی، بی تا: ۴۰/۶، ۵۸۵/۹). قناده بصری (متوفی ۱۱۸ق/۷۳۶م) «صدر اسلام» را درباره عصر پیامبر به کار برده است (جصاص، ۱۴۱۵: ۴۹/۳، ۳۱۸/۵). او معتقد است در صدر اسلام، طلاق مکرر مشروع بوده است (احسائی، ۱۴۰۵: ۳۷۱/۳).

شریف مرتضی و شیخ طوسی در آنجا که از مشروعیت عقد موقت متعه یا مباح بودن حرف زدن در نماز یا مباح بودن ورود مشرکان به مسجد و احکام طلاق و ارث در صدر اسلام بحث می کنند، صدر اسلام را عصر پیامبر می دانند (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۴/۳۰۶؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۲۳۶؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۴۷، ۴/۶۷، ۵/۲). علامه مجلسی نیز در جایی که به مشروعیت غنا و موسیقی فطری و ملایم در صدر اسلام اشاره می کند، منظورش عصر پیامبر (ص) است (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۵۶/۷۶).^۸

۲. صدر اسلام به معنی عصر پیامبر (ص) و صحابه نخستین در برابر دوران بنی امیه (۱۳ تا ۴۱ق/۶۱۰ تا ۶۶۱م): چنانکه اشاره شد، این مفهوم در آثار بسیاری از نویسندگان معاصر عرب دیده می شود. آنها هرچند به منابع فهم خود، هیچ اشاره ای نکرده اند، می توان حدس قوی زد که فهم آنها ریشه در منابعی دارد که در ادامه می آید:

در میان مورخان، گویا محمد بن حبیب (متوفی ۲۴۵ق/۸۵۰م) نخستین مورخی است که از «صدر اسلام» نام برده است. او در ادامه ذکر نام قبایل قریش که به روش ها و انگیزه های گوناگون، اسلام آوردند، از قبیله آل خراش یاد می کند که به علت ازدواج خراش بن امیه با قده مخزومی وارد «صدر اسلام» شدند، به اسلام درآمدند (ابن حبیب، ۱۴۰۵: ۲۵۷).^۹ مسکویه (۳۲۶ تا ۴۲۱ق/۹۴۱ تا ۱۰۳۹م) نیز در زیر حوادث سال ۱۳۲ق/۷۴۶م و با اشاره به سقوط امویان

به دست ابومسلم، تأکید می کند مردم گمان می کردند رهبران این قیام آنها را به سیره و سنت «صدر اول» دعوت می کنند (مسکویه، ۱۳۷۹ش: ۳/۳۳۳).^{۱۰} روشن است که در گزارش ابن حبیب و معنای صدر اول در عبارت ابن مسکویه، منظور از صدر اسلام عصر پیش از امویان است. از کتاب های ابو حیان توحیدی (متوفی ۴۱۴ق/۱۰۳۲م) دانسته می شود منظور ایشان از صدر اول، عصر پیامبر و خلفای نخستین است (نک: ابو حیان، ۱۴۲۴: ۱۶۶؛ ابو حیان، ۱۴۱۲: ۴۸۷).^{۱۱} از سخنان مرزبانی (متوفی ۳۸۴ق/۹۹۹م) نیز معلوم می شود صدر اسلام، عصر پیامبر و دوران خلفای راشدین است (مرزبانی، ۱۴۱۵: ۴۰، ۴۲، ۱۹۴).^{۱۲}

۳. صدر اسلام به معنی عصر پیامبر (ص) و عموم صحابه (۱۳ تا ۱۰۰ق/۶۱۰ تا ۷۱۹م): براساس پژوهش ابن حجر، دوره عمومی صحابه پیامبر (ص) و بزرگان تابعان مانند سعید بن مسیب، در سده نخست قمری به اتمام می رسد (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۶/۱)؛ بنابراین، از نظر طیفی از نویسندگان و مورخان پیشین، صدر اسلام به مجموع سال های بعثت پیامبر (ص) در مکه تا پایان سده نخست قمری و اواخر دوره خلافت بنی امیه گفته می شود (۶۱۰ تا ۷۱۸م). به نظر می رسد می توان این مفهوم عام را از منابع زیر استظهار کرد:

ثعالبی (متوفی ۴۲۹ق/۱۰۴۷م) گوشزد می کند مسلمانان در عصر صحابه و صدر اول، نامه های خود را با آیات قرآن و حدیث پیامبر (ص) آغاز می کردند (ثعالبی، ۱۴۲۱: ۱۴۸). ابن رشد اندلسی از اختلاف صدر اول در احکام وضو و دیگر احکام فقهی یاد می کند که در اختلاف نظر در تفسیر آیات وضو و نیز اختلاف احادیث پیامبر ریشه داشته است (ابن رشد، ۱۴۱۵: ۱/۱۹، ۳۶، ۱۸۸). ابن حزم نیز به پیروی از ابن شهاب زهری، صدر اول را همان عصر صحابه

پیامبر می‌داند (ابن حزم، بی تا: ۴۱۸/۹).

جصاص در احکام القرآن صدر اول را دوران صحابه می‌داند (جصاص، ۱۵/۴۱۵ق: ۲/۴۶۴ و ۵۲۶).^{۱۳} باقلانی، متکلم نامدار اشعری،^{۱۴} و دو مورخ متأخر، یعنی ذهبی و سخاوی، نیز صدر اول را با عصر صحابه تطبیق داده‌اند (باقلانی، ۱۴/۴۱۴ق: ۴۴۹ و ۴۷۳؛ ذهبی، ۱۳/۴۱۳ق: ۲/۴۲؛ سخاوی، بی تا: ۱۱۵).

۴. صدر اسلام به مفهوم عصر پیامبر(ص) تا عصر تابعان صحابه و بنی‌امیه (۱۳تا عصر ۱۵۰ق/۶۱۰تا۶۷۷م): همان گونه که ابن حجر گوشزد کرده است، دوره آخر طبقه تابعان در حدود سال ۱۵۰ قمری به اتمام رسید و کسانی همچون سلیمان اعمش (متوفی ۱۴۷ق/۷۶۴م) از این طبقه بودند (ابن حجر، ۱۵/۴۱۵ق: ۱/۲۵)؛ بنابراین صدر اسلام عصر پیامبر(ص) تا عصر تابعان، تمام دوران خلافت اموی و دو دهه از نخستین دوران خلافت عباسی را شامل می‌شود (۶۱۰تا۶۷۷م).

کسانی که چنین تفسیری از صدر اسلام دارند، نیز پرشمارند. طبری (متوفی ۳۱۰ق/۹۲۵م) در ادامه بیان ویژگی‌های معصم عباسی، روایتی از احمد بن ابی داوود؟؟ آید (متوفی ۲۴۰ق/۸۵۷م) نقل می‌کند که نشان می‌دهد، صدر اسلام دربرگیرنده دوران فتوحات عصر امویان و عصر نخست عباسیان نیز می‌شود (طبری، ۱۳۸۷ق: ۹/۱۲۱).

در عبارت‌ها و تعبیرهای گوناگون مسعودی نیز صدر اسلام با عصر امویان و دوران تابعان صحابه تطبیق شده است (مسعودی، ۱۴/۱ و ۱۵ و ۴۴۲). چنانکه گذشت، ابن ندیم خالد بن الهیاج بن بسطام (متوفی حدود ۱۰۰ق/۷۱۷م) را در شمار خطاطان صدر اول می‌آورد و به این ترتیب، دوران تابعان و عصر خلافت امویان را صدر اول می‌داند (ابن ندیم، بی تا: ۹).

فخر رازی (متوفی ۶۰۶ق/۱۲۲۴م) در تفسیر خود، عصر صحابه و دوران تابعان را صدر اسلام می‌داند (رازی، ۲۰/۴۱۴ق: ۵/۳۶۲). ابن خلکان (۶۸۱ق/۱۳۰۱م) نیز به شمول مفهوم صدر اول به عصر تابعان عقیده دارد؛ از این رو، هشام بن عروه (متوفی ۱۴۶ق/۷۶۳م) و سلیمان اعمش (متوفی ۱۴۸ق/۷۶۵م) را از علمای صدر اول می‌داند (ابن خلکان، بی تا: ۴/۳۰۱ و ۳۰۲). محی‌الدین نووی (۶۷۶ق/۱۲۹۷م)، رجال‌شناس و فقیه و شارح صحیح مسلم، نیز بر این نظر است (نووی، بی تا: ۱/۲۵).

ابن عربی (متوفی ۵۴۳ق/۱۱۶۱م) در احکام القرآن، عبدالله زبیر صحابی (متوفی ۷۴ق/۶۹۴م) و ابوالحجاج مجاهد تابعی (متوفی ۱۰۴ق/۷۷۸م) را از علمای صدر اول می‌داند؛ بنابراین معلوم می‌شود که از نظر او، صدر اول دوران تابعان و عصر بنی‌امیه را نیز دربرمی‌گیرد (ابن عربی، بی تا: ۴۸۴). مورخان، ادیبان و فقیهان بزرگی همچون ابن کثیر (متوفی ۷۷۴ق/۱۳۹۵م)، قلقشندی (متوفی ۸۲۱ق/۱۴۴۱م)، عبدالرؤف مناوی (متوفی ۱۰۳۱ق/۱۶۵۱م)، آلوسی (متوفی ۱۲۷۰ق/۱۸۸۴م) و ابن عابدین (متوفی ۱۲۵۲ق/۱۸۶۲م) نیز بر همین نظرند (قلقشندی، بی تا: ۱/۲۴۴؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۱/۵۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۴/۲۶۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۳/۴۴۳؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵: ۳/۴۲ و ۴۳).

۵. صدر اسلام به مفهوم عصر پیامبر تا پایان عصر نخست عباسیان و اتباع تابعان (۳۱تا ح ۲۱۰ق/۶۱۰تا۸۲۵م): براساس پژوهش ابن حجر، دوره اتباع تابعان تا عصر شافعی (متوفی ۲۰۴ق/۸۱۹م) و عبدالرزاق صنعانی (متوفی ۲۱۱ق/۸۲۶م) امتداد داشته است (ابن حجر، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۵)؛ بنابراین در این تفسیر، اصطلاح صدر اسلام عصر پیامبر تا اواخر عصر نخست عباسیان را نیز شامل می‌شود.

جُصَنَّاص و ابن‌رشد دیده می‌شوند؛ بنابراین این قول نیز می‌تواند همچون قول نخست تا قرن سوم شهرت و اعتبار داشته باشد. قول پنجم در هیچ‌یک از آثار علمی گذشتگان پیشینه‌ای ندارد و فقط در نوشته‌های مورخان پس از سده هفتم قمری دیده می‌شود؛ بنابراین قوت کافی ندارد و به اتفاق آراء، گروه‌های نخست تا چهارم اعتبار ندارند.

نتیجه

استفاده از اصطلاح «صدر اول» یا «صدر اسلام» در نام‌گذاری آثار و پژوهش‌های تاریخی امری نوپدید است و سابقه طولانی ندارد؛ اما پیشینه کاربرد آن را می‌توان در متون دینی و تاریخی قرن نخست و دوم قمری و همچنین در منابع فقهی، کلامی، تاریخی و ادبی قرن‌های سوم و چهارم قمری مشاهده کرد. به نظر می‌رسد استفاده از این اصطلاح، به علت کم‌توجهی مورخان پیشین به ضرورت نام‌گذاری دقیق و نیز نادیده گرفتن نقش عنصر زمان در نام‌گذاری، مغفول ماند؛ اما در دوران جدید، به علت گسترش رشته‌ها و گرایش‌های علمی و ضرورت مرزبندی میان اصطلاحات، به همان سرعت و به طرز چشمگیری، استفاده از این اصطلاح در کانون توجه قرار گرفت؛ ولی به علت نبود چشم‌اندازی درست و درخور اتکاء، به مغالطه اشتراک لفظی و هرج و مرج مبتلا شد؛ در حالی که به‌گواهی پژوهش حاضر، چنین چشم‌اندازی دور از دسترس نبوده است.

بر این اساس، می‌توان گفت کاربرد گسترده اصطلاح «صدر اسلام» یا «صدر اول» در زبان محدثان و فقیهان سده نخست و نیز در منابع فقهی، کلامی، تاریخی و ادبی سده‌های سوم تا پنجم قمری، چهار قول یا مفهوم متفاوت و مشهور از این اصطلاح را در اختیار نویسندگان قرار می‌دهد: ۱. عصر پیامبر (ص) (۱۳ق.ه

در کتاب *الاعلام بالحروب الواقعة فی صدرالاسلام*، نوشته ابوالحجاج یوسف بن محمد بن ابراهیم الأنصاری البیاسی (زنده در ۶۵۰ق/۱۲۶۸م)، صدر اسلام با عصر پیامبر (ص) تا دوران هارون رشید تطبیق داده شده است.^{۱۵} نویری (متوفی ۷۳۲ق/۱۳۵۳م) امام شافعی را از علمای صدر اول می‌داند و ابن‌شَدَّاد (متوفی ۹۸۶ق/۱۶۰۱م) تصریح می‌کند بنی‌امیه و برخی پادشاهان بنی‌عباس در شمار حکمرانان صدر اسلام‌اند (نویری، ۱۴۲۳: ۳۲/۷؛ ابن‌شَدَّاد، ۱۹۵۳: ۴/۳).

آنچه از جمع‌بندی این قول‌ها به دست می‌آید آن است که تا حدودی تمام نویسندگان و صاحب‌نظران این پنج گروه، به‌استثنای یک یا دو نمونه، در مکتوبات خود، معانی و مفهوم «صدر اسلام» را در چند مصداق متفاوت اراده و اصطلاح کرده‌اند؛ البته بدون آنکه کتاب یا رساله‌ای را با نام «صدر اسلام» نام‌گذاری کنند. در گروه نخست، شخصیت‌های گوناگون از فقیهان و محدثان شیعه و سنی دیده می‌شوند. از آنجا که در میان این شخصیت‌ها، محدثان و فقیهان قرن نخست قمری، همچون قتاده و حسن بصری، دیده می‌شوند، می‌توان گفت این قول از تمام قول‌های دیگر، کهن‌تر و سابقه‌دارتر است. در گروه دوم نیز شماری از محدثان، فقیهان، مورخان، متکلمان، ادیبان و مفسران دیده می‌شوند. این قول از نظر تاریخی، در محاوره‌ها و باورهای نخبگان قرن دوم ریشه دارد. فراوانی قول سوم نیز در منابع قرون نخستین، درخور توجه است و می‌توان گفت پس از قول نخست، در اولویت قرار دارد و بسیاری از نویسندگان قدیم و جدید با آن توافق کرده‌اند.

اما سابقه قول چهارم نیز به نویسندگان قرن سوم و چهارم می‌رسد و در اینجا نیز مورخان بزرگی همچون طبری و مسعودی و ثعالبی و نیز برخی مفسران، شرح‌حال‌نگاران، محدثان و فقیهان مانند

عليهم سنة الصدر الأول».

۱۱. «فانقضت أيام الصدر الأول بالدين الخالص، و أيام بنی مروان بالرياء و السمعة و أيام بنی العباس بالمروت و التوسع فی الشهوات، و لم يبق بعد هذا شیء».

۱۲. درباره دیگر دیدگاه‌های نویسندگان در این بخش، نک: (نجفی، ۱۴۲۱ق: ۳۰ / ۱۴۹؛ خمینی، ۱۳۷۶ق: ۳۴۱/۳).

۱۳. اتفق السلف من الصدر الاول ان المراد احدهما، لان عليا و ابن عباس و ابوموسی لما تألوه علی الجماع لم یوجبوا نقض الطهاره بلمس اليد.

۱۴. لان هذه الاخبار التي هي اخبار الاحاد التي تدعونها فی النص علی علی، اخبار قد عارضها اجماع المسلمین فی الصدر الاول علی ابطالها و ترك العمل بها لان الامه كلها انقادت لابی بكر و عمر رضی الله عنهما و دانت بوجوب اطاعتها و فیهم علی و العباس و عمار و المقداد و ابوذر و الزبیر...

۱۵. این کتاب به جز بخشی از آن، مفقود شده است؛ اما ابن خلکان که کتاب را دیده است در معرفی آن چنین می‌نویسد: «ابتداءً فيه بمقتل عمر بن الخطاب رضی الله عنه و ختمه بخروج الوليد بن طريف الشاري علی هارون الرشيد ببلاد الجزيرة الفراتية» (ابن خلکان، بی تا: ۲۳۸/۷).

کتابنامه

الف. کتاب

۱. ابن ابی یعلی، محمد بن ابی یعلی (بی تا)، *طبقات الحنابلة*، بیروت، دار المعرفة.

۲. ابن حبیب، ابو جعفر، محمد بن حبیب البغدادی، (۱۹۸۵/۱۴۰۵م)، *کتاب التَّمَتُّقِ فی اخبار قریش*، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.

۳. -----، (بی تا)، *کتاب المُحَبَّر*، تحقیق

استفاده می‌شود. این نشان می‌دهد مفهوم «سلف» و «صدر» هر دو به زمانی خاص و آدمیان آن دوره اشاره می‌کنند. این دو در کنار هم به طور عمده به عصر پیامبر تا دوره تابعان دلالت دارند (نک: جصاص، ۱۴۱۵ق: ۲/۶۶۴، ۵۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۹/۱؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵ق: ۵/۵۴۳).

۹. أقول: «فتراهم فی صدر الاسلام و النبی (ص) بین أظهرهم انما یتغنون بالغناء الساذج الفطری الذی طبعوا علیه بفطرة من الله و عرفوه بالهامه عزوجل فتارة یضربون معه بالدف الساذج فی زفافهم و أعراسهم و یغنون بالترنم كما علمهم النبی (ص)» (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ۲۵۶/۷۶). درباره دیگر دیدگاه‌های فقها در این بخش (نک: نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۹/۲۴؛ ابن قتیبه، بی تا: ۱۷۷؛ خمینی، ۱۳۷۶ق: ۱/۱۴۲).

۱۰. ابن حبیب در کتاب *المنمق*، فصلی را با نام «مداخل فی قریش فی الاسلام بغير حلف إلا بصهرأ و بصداقه أو...» باز کرده (ابن حبیب، ۱۴۰۸: ۲۴۹) و از طوایف عرب که با روش‌ها و انگیزه‌های گوناگون، اسلام آوردند نام می‌برد و می‌نویسد: «و منهما لخراش بن أمیة، دخل وافی صدر الاسلام بسبب بنکاح خراش بن أمیة، قذة بنت عرفجة بن عثمان» (ابن حبیب، ۱۴۰۸: ۲۵۷). نویسنده در جای دیگر در همین کتاب از واژه صدر، به مفهوم آغاز و ابتدای کتاب نیز یاد کرده است: «ماکتبناه فی صدر کتابنا هذا» (ابن حبیب، ۱۴۰۸: ۲۶۶). نیز در کتاب *المحبر* وقتی از بازگشت پیامبر (ص) از غزوه دومة الجندل یاد می‌کند، می‌نویسد: «و رجع علیه السلام من الطریق فی صدر صفر» (ابن حبیب، بی تا، ۱۱۴). روشن است که صدر در همه این نمونه‌ها، به معنای سرآغاز و ابتداست و صدر اسلام در هر حال، به مفهوم سرآغاز اسلام است و اینکه آنان در اوایل ظهور اسلام، ایمان آوردند.

۱۰. «كان الناس یظنون ببيعة المسودة أنها ترد

أحكام القرآن، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت:
دارالفكر للطباعة و النشر.

۱۴. ابن فارس، احمد بن فارس زكريا، (بی تا)، معجم
مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بی جا:
مكتبة الاعلام الاسلامی.

۱۵. ابن قتیبه (بی تا)، تأویل مختلف الحدیث، قرأها
و صححها العلامة فخر العراق محمود الشكري
الألوسی، بيروت: دارالکتب العلمیه.

۱۶. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)،
تفسير القرآن العظيم، تقديم: يوسف عبدالرحمن
المرعشلی، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و
التوزيع.

۱۷. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدين
محمد بن مكرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: ادب
الحوزه.

۱۸. ابن نديم، محمد بن اسحاق، (بی تا)، الفهرست،
بيروت: دارالمعرفة.

۱۹. ابوحيان، علي بن محمد بن عباس التوحيدى،
(۲۰۰۳م/۱۴۲۴ق)، الامتاع و الموائس، تحقيق هيثم
خليفه الطيمى، بيروت: مكتبة العصرية.

۲۰. -----
(۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق)، أخلاق الوزراء، تحقيق
محمد بن تاويت الطنجى، بيروت: دارصادر.

۲۱. احسايى، ابن ابى جمهور محمد بن على،
(۱۴۰۵ق)، عوالى اللئالى العزيبه، قم: دار سيد الشهداء
للنشر.

۲۲. ارشادى، عين الله، (۱۳۸۷ش)، تاريخ تحليلى
صدر اسلام: قبل از تولد پيامبر اسلام (ص) تا شهادت
امام حسين (ع) سال ۶۱ق، تهران: فردابه.

۲۳. اشرفى خيرآبادى، حميد و حسن قريشى،
(۱۳۹۵ش)، تاريخ تحليلى صدر اسلام (از عصر
جاهليت تا سال چهلم هجرى)، تهران: نيمروز.

ابلزده ليختنشتيتر، بيروت: دارالافاق الجديده.

۴. ابن حجر، احمد بن على، (۱۴۱۵ق)، تقريب
التهذيب، دراسه و تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا،
بيروت: الطبعة الثانية.

۵. ابن حزم، ابو محمد على بن احمد،
(۱۹۸۳/۱۴۰۳م)، الاحكام فى اصول الاحكام، تحقيق
الشيخ احمد محمد شاكر، تقديم احسان عباس،
بيروت: دارالافاق الجديده.

۶. -----، (بی تا)،
المُحكى، تحقيق الأستاذ الشيخ أحمد محمد شاكر،
بيروت: دارالفكر.

۷. ابن خلكان، احمد بن محمد، (بی تا)،
وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، تحقيق احسان عباس،
بيروت: دارالفكر.

۸. ابن رشد، محمد الحفيد، (۱۴۱۵-۱۹۹۵م)،
بداية المجتهد و نهاية المقتصد، تنقيح و تصحيح خالد
العتار، اشرف مكتبه البحوث و الدراسات، بيروت:
دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

۹. ابن سينا، ابو على حسين بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)،
الشفاء (المنطق)، تحقيق سعيد زايد و ... ، قم: مكتبة
آيت الله المرعشى.

۱۰. ابن شداد، محمد بن على، (۱۹۵۳م)،
لأعلاق الخطيرة فى ذكر أمراء الشام و الجزيرة، دمشق:
المعهد العلمى الفرنسى للدراسات العربيه.

۱۱. ابن صاعد اندلسى، صاعد بن احمد، (۱۳۷۶ش)،
التعريف بطبقات الأمم، تهران: مركز پژوهشى ميراث
مكتوب.

۱۲. ابن عابدين، محمداهين دمشقى،
(۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)، حاشية ردالمحتار، إشراف:
مكتب البحوث و الدراسات، بيروت: دارالفكر للطباعة
و النشر و التوزيع.

۱۳. ابن عربى، ابوبكر محمد بن عبدالله، (بی تا)،

- تحقیق عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۵. جنابی، خلود مسافرنعمه، (۲۰۱۰م)، العیون و الطلائح فی صدرالاسلام و خلافة الامویین، بی‌جا: الدارالعربیة للموسوعات.
۳۶. خمینی، سیدروح‌الله الموسوی، (۱۳۷۶ق)، کتاب الطهارة، قم: چاپخانه حکمت.
۳۷. دوری، عبدالعزیز، (۲۰۰۷م)، مقدمه فی تاریخ صدرالاسلام، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیه.
۳۸. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه، زیر نظر محمد معین، سیدجعفر شهیدی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۹. ذهبی، شمس‌الدین محمدبن احمد، (۱۴۱۳ق)، تاریخ‌الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
۴۰. رازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر؛ مفاتیح الغیب، تحقیق داراحیاء التراث العربی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۱. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، بامداد اسلام، تهران: امیرکبیر.
۴۲. زیدان، جرجی، (۲۰۱۲)، تاریخ‌الادب اللغه العربی، القاهرة: مؤسسه الهنداوی للتعلیم و الثقافه.
۴۳. سامح، الدكتور کمال‌الدین، (بی‌تا)، العماره فی صدرالاسلام، القاهرة: المؤسسه المصریه العامه للتألیف و الترجمة و الطباعه و النشر.
۴۴. سخاوی، شمس‌الدین محمدبن عبدالرحمن، (بی‌تا)، الاعلان بالتوییح لمن ذه‌التاریخ، بیروت: بی‌نا.
۴۵. سرکیس، یوسف الیان، (۱۴۱۰ق)، معجم المطبوعات العربیه و المعربه، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.
۴۶. شرف‌الدین، عبدالحسین، (۱۳۸۵ق)، مؤلف و
۲۴. الاعسم، عبدالامیر، (۱۹۸۹م)، المصطلح الفلسفی عندالعرب، القاهرة: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۲۵. امین، احمد، (۱۹۶۹م)، فجرالاسلام، بی‌جا: الدوله‌الأمویه، ج ۱، ج ۱۰، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۶. امین، حسین، (۱۴۲۳ق)، دائره‌المعارف الاسلامیه‌الشیعیه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۷. امین، محسن، (۱۴۰۳ق)، اعیان‌الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۸. آلوسی، محمودبن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح‌المعانی فی تفسیرالقرآن‌العظیم و السبع‌المثانی، محقق عبدالباری عطیه علی، بیروت: دارالکتب العلمیه و منشورات محمد علی بیضون.
۲۹. باشا حسین، (۱۴۰۹ق)، الالقاب‌الاسلامیه فی‌التاریخ و الوثائق و الاثار، القاهرة: الدارالفنیه للنشر و التوزیع.
۳۰. باقلانی، ابوبکر محمدبن طیب، (۱۴۱۴ق)، تمهیدالأوائل و تلخیص‌الدلائل، تحقیق الشیخ عمادالدین أحمد حیدر، بیروت: مؤسسه الکتب‌الثقافیه.
۳۱. بحرانی، یوسف‌بن‌احمد، (۱۴۰۵ق)، الحدائق‌الناضره، محقق و مصحح: محمدتقی ایروانی، سیدعبدالرزاق مقرر، قم: مؤسسه النشرالاسلامی.
۳۲. بستانی، بطرس، (۱۹۹۰م)، ادباءالعرب فی‌الجاهلیه و صدرالاسلام، بیروت: دارنظیر عبود.
۳۳. ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمدبن إسماعیل، (۱۴۲۱ق)، تحفه‌الوزراء، محقق و مصحح حبیب‌علی الراوی و إبتسام مرهون الضار، بیروت: الدار العربیه للموسوعات.
۳۴. جصاص، احمد، (۱۴۱۵ق)، أحکام‌القرآن،

۵۷. عواد، کورکيس، (۱۹۹۹)، الذخائر الشريفة، بيروت: دارالغرب الاسلامي.

۵۸. عيفه، عبدالحق، (۲۰۱۱)، تطور النقود في التاريخ الاسلامي منذ صدر الاسلام الى نهايه الحكم الثماني، اردن: جامعه اليرموك.

۵۹. فارابي، ابونصر، (۱۴۰۸ق)، المنطقيات، تحقيق و تقديم محمدتقي دانش‌پژوه، قم: مکتبه آيه الله مرعشي.

۶۰. قلقشندی، احمد بن عبدالله، (بی تا)، صحیح الأعشى في صناعة الانشاء، بيروت: دارالکتب العلميه.

۶۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسه الطبع و النشر.

۶۲. مرزبانی، محمد بن عمران، (۱۴۲۵ق)، معجم الشعراء بيروت: دار صادر.

۶۳. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسن بن علی، (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، پژوهش اسعد داغر، قم: دارالهجره.

۶۴. مسکويه، ابوعلی مسکويه الرازی، (۱۳۷۹)، تجارب الامم، تحقيق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.

۶۵. مصاحب، غلامحسین، (۱۳۵۶ش)، دائرة المعارف فارسی، ج ۲، تهران: فرانکلین.

۶۶. مناوی، عبدالرؤف، (۱۴۱۵ق)، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، تصحيح أحمد عبدالسلام، بيروت: دارالکتب العلميه.

۶۷. نجفی، محمدحسن، (۱۴۲۱ق)، جواهر الکلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

۶۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵ق)، مستند الشيعه في أحکام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

۶۹. نووی، محی الدین يحيى بن شرف، (بی تا)، المجموع، بيروت: دارالفکر.

الشيعة في صدر الاسلام، تقديم و اشراف احمد حسيني اشكوري، بغداد: مکتبه الاندلس، نجف: مکتبه النعمان.

۴۷. شريف المرتضى، على بن حسين بن موسى، (۱۴۰۵ق)، رسائل المرتضى، تحقيق و تقديم السيد احمد الحسيني، اعداد السيد مهدي الرجائي، قم: دار القرآن الكريم.

۴۸. -----، (۱۴۱۷ق)، المسائل الناصريات، تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامية.

۴۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث.

۵۰. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۶۱)، اساس الاقتباس، تصحيح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.

۵۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (بی تا)، التبيان في تفسير القرآن، قدم له الامام المحقق الشيخ آغا بزرگ تهراني، بيروت: دار احیاء التراث العربي.

۵۲. -----، (۱۳۸۷ق)، المبسوط في فقه الاماميه، تهران: المکتبه المرتضويه لحياء الآثار الجعفرية.

۵۳. عابدينی، ابو الفضل، (۱۳۸۴)، در آمدی بر تاريخ اسلام از صدر اسلام تا شهادت امير مؤمنان (ع)، تهران: جهاد دانشگاهی.

۵۴. عبدالحی، شعبان محمد، (۱۹۸۷)، تاريخ صدر الاسلام و الدوله الامويه، بيروت: الاهليه للنشر و التوزيع.

۵۵. علی، صالح احمد، (۱۹۸۳م)، امتداد العرب في صدر الاسلام، بيروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثانيه.

۵۶. عمر فروخ، (۱۹۷۰)، تاريخ صدر الاسلام و الدوله الامويه، بيروت: در الملايين.

- کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
 ۷. فاضل، زهرا، (۱۳۸۹)، نقش زنان در گسترش تشیع از صدر اسلام تا پایان قرن پنجم هجری قمری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران.
۸. گنجی، حمیده، (۱۳۹۵)، نقش زنان در تحولات سیاسی فرهنگی صدر اسلام تا سال ۶۱ هجری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- ج. مقاله**
۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله، (۱۳۸۱)، روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۱.
۲. ترکمنی، سمیه، (۱۳۸۹ش)، تاریخ داروشناسی در ایران و بین‌النهرین از صدر اسلام تا حمله مغول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. خدابخشی، سکینه، (۱۳۹۳)، بررسی تجارت از صدر اسلام تا پایان عصر اول عباسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۴. صارمی نائینی، داوود، (۱۳۷۴)، بررسی و تحقیق بناها و اماکن اسلامی (معماری اسلامی) شهرستان نائین از صدر اسلام تا دوره قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۵. طالبی، مرضیه، (۱۳۹۳)، مطالعه تزینات حجاری در مساجد تاریخی شهر اصفهان (از صدر اسلام تا پایان دوره قاجار)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
۶. طرفدار، محسن، (۱۳۶)، بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام، پایان‌نامه
۷۰. نویری، شهاب‌الدین أحمد بن عبدالوهاب، (۱۴۲۳ق)، نهاییه الأرب فی فنون الأدب، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیة.
۷۱. وجدی، محمدفرید، (بی‌تا)، دائرةالمعارف القرن العشرين، ج ۵، بیروت: دارالفکر.
۷۲. ولفنسون، اسرائیل، (۱۹۲۷م)، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدرالاسلام، ترجمه لجنه التألیف و الترجمة، قاهره: مطبعة الاعتماد.
۷۳. همزاده، مهدی، (۱۳۹۱)، آفازادگان صدر اسلام، تهران: بین‌الملل.
- ب. پایان‌نامه**
۱. امامی، منا، (۱۳۹۳ش)، بررسی نقش‌مایه‌های حیوانی بر روی سفالینه‌ها و منسوجات صدر اسلام (قرن ۵ هجری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان تهران.